

چهارشنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۴
 وطن‌امروز | شماره ۴۳۵۹

ورزشی

گزارش

اعلام اسامی آزادکاران برای تورنمنت مجارستان

غریبال بوداپست

در آستانه یکی از حساس‌ترین مراحل چرخه‌انتخابی تیم‌ملی کشتی آزاد، حوال و هوای اردوی آزادکاران ایرانی حسلی داغ شده‌است.این بار، بوداپست مقصد ۴ کشتی‌گیر جوان است که باید آخرین شانس خود را برای حفظ جایگاه در تیم‌ملی آزمایش کنند؛ تورنمندی که قرار است برای برخی، بلیت ماندن باشد و برای بعضی دیگر، خداحافظی زودهنگام از تیم ملی.

تور رنکینگ اتحادیه جهانی کشتی، ۲۶ تا ۲۹ تیر در پایتخت مجارستان برگزار می‌شود و فدراسیون کشتی تصمیم گرفته با ۴ آزادکار در ۲ وزن ۷۰ و ۷۹ کیلوگرم در این آوردگاه شرکت کند. قاعده بازی از قبل مشخص شده: فقط «قهرمانی» مجوز حضور در فینال چرخه انتخابی را صادر می‌کند. هیچ جای خطا نیست؛ با طلا یا حذف.

اما قبل از اعزام، یک خبر مهم فضای کشتی ایران را لرزاند: حذف محمدمعلی عموزاد و علی‌اکبر فضلی از چرخه تیم‌ملی در وزن ۷۰ کیلوگرم؛ ۲ چهره‌ای که شاید خیلی‌ها آنها را اصلی‌ترین گزینه‌های مسابقات جهانی ۲۰۲۵ زاگرب و المپیک ۲۰۲۶ لس‌آنجلس می‌دانستند. اما نتایج ضعیف در جام تختی و تورنمنت رنکینگ مغولستان کار دست‌شان داد. عموزاد در جام تختی فقط به نقره رسید و در مغولستان اصلا به مدال نرسید. فضلی هم که در فینال مغولستان، با نتیجه سنگین ۶ بر صفر مقابل کاپرینف روس تسلیم شد، دیگر نتوانست اعتماد کادر فنی را جلب کند. این یعنی پایان زودهنگام رؤیای المپیک برای این ۲ آزادکار مستعد.

حالا نگاه‌ها به عباس ابراهیم‌زاده و سینا خلیلی در وزن ۷۰ کیلوگرم و مهدی یوسفی و فربرز بابایی در وزن ۷۹ کیلوگرم دوخته شده. ابراهیم‌زاده امسال در قهرمانی آسیا در وزن پایین‌تر برنز گرفت و در تورنمنت زاگرب روی سکوی نخست ایستاد. او در جام تختی اما نتوانست مدال بگیرد و حالا سفر به بوداپست آخرین فرصت اوست تا خودش را ثابت کند.

سینا خلیلی هم که در آسیا به برنز رسیده و در زاگرب نایب‌قهرمان شده، یکی دیگر از امیدهای کشتی ایران است. کشتی‌گیری با تکنیک بالا و بدنی آماده و ورزیده که اگر از نظر ذهنی آماده باشد، شانس زیادی برای گرفتن طلای بوداپست دارد.

در وزن ۷۹ کیلوگرم، مهدی یوسفی و فربرز بابایی کار سخت‌تری پیش رو دارند. آنها می‌دانند حتی یک لغزش کوچک می‌تواند آنها را از دایره انتخابی حذف کند. بابایی که همیشه به جگندگی معروف بوده و یوسفی که سبک هجومی و سرعتی دارد، هر ۲ باید در این تورنمنت بی‌نقص ظاهر شوند تا نظر کادر فنی را جلب کنند.

در این میان، نام علی سوادکوهی هم مطرح شده؛ کشتی‌گیر باتجربه وزن ۸۶ کیلوگرم که ممکن است برای آماده شدن جهت شرکت در بازی‌های کشورهای اسلامی، به بوداپست اعزام شود. این اعزام بیشتر شبیه یک تست است تا اقدام فنی. ببیند او در چه وضعیتی قرار دارد و آیا شایستگی سفر به رقابت‌های مهم بعد را دارد یا نه.

چرخه انتخابی تیم‌ملی کشتی آزاد، بیش از همیشه سخت‌گیرانه و بدون رحم شده است. دیگر خبری از ارفاق‌های معمول یا فرصت‌های اضافه نیست. هر کشتی‌گیر باید در میدان واقعی خودش را نشان دهد، اگر نه باید خیلی زود رؤیای تیم‌ملی را فراموش کند.

این رویکرد شاید تلخ باشد اما برای تیمی که می‌خواهد در جهانی و المپیک سکو بگیرد، منطقی و حتی ضروری است. سیستم جدید باعث شده هر روز، اخبار داغی از حذف‌ها و انتخاب‌ها به گوش برسد و این یعنی همه چیز زنده و نفسگیر است.

کشتی ایران هیچ‌وقت اینقدر رقابتی نبوده؛ حالا هر وزن، یک نبرد تمام‌عیار است. بوداپست شاید در تقویم فقط یک تورنمنت رنکینگ‌دار باشد اما در ذهن آزادکاران ایرانی، حکم یک امتحان نهایی را دارد؛ امتحانی که رد شدن در آن یعنی پایان تمام رؤیاهای.

تا چند روز دیگر، مشخص می‌شود چه کسی بلیت طلایی مرحله نهایی چرخه را به دست می‌آورد و چه کسی مجبور است کوله‌پشتی‌اش را بپوشد و زودتر از موعد خداحافظی کند. تئاتر بوداپست، صحنه اصلی نمایش شجاعت و جسارت کشتی‌گیران ایرانی است. اینجا جایی برای ششیمانی نیست؛ با طلا یا هیچ!

خبر

رکاب‌زان گم‌شده در کوه سبلان

پیدا شدند

۲ رکابزن گم‌شده در کوه سبلان توسط تیم امداد و نجات پیدا شدند.
به گزارش ایسنا، ۲ دوچرخه‌سوار ایران که در صعود به قله در کوه سبلان گم شده بودند، توسط تیم امداد و نجات پیدا شدند.

خلیل خورشیدی، رکابزن حرفه‌ای ایران که اخیرا در تور دوچرخه‌سواری ایران – آذربایجان هم شرکت کرده بود، به همراه رضا محمدی یک دوچرخه‌سوار دیگر، صبح روز یکشنبه برای صعود به قله سبلان حرکت کردند اما به دلیل وضعیت جوی مه‌آلود در کوه سبلان گم شدند. آنها تنها با ارسال یک پیامک به نجات‌یافتن خود، در شرایط خوبی نرسیدند.

تیم امداد و نجات از روز دوشنبه در حال جست‌وجوی این ۲ رکابزن بودند و در نهایت عصر همین روز این ۲ رکابزن را پیدا کردند. آنها مسیر به سمت قله را اشتباه رفته بودند. آسیب جدی به آنها وارد نشده و تنها به دلیل نخوردن غذا، دچار ضعف هستند.



مهدی مرسلی

مرد کروات که سال گذشته با تراکتور یک شگفتی تاریخی خلق کرد و جام قهرمانی را برای نخستین بار به تبریز برد، حالا در مقام مدافع تاج بر تخت نشسته. اما این بار قرار نیست تنها باشد؛ مدعی ایرانی، با شمشیرهای آخته، کمین کرده‌اند تا تاج را از سرش پایین بکشند.

پادشاه سرخ در آستانه نبرد

وقتی صحبت از قهرمانی در فوتبال ایران می‌شود، تراکتور اسکوچیچ فعال‌تیم‌اول جدول قدرت است. تیمی که فصل قبل شجاعانه تا قله رفت، حالا می‌خواهد ثابت کند قهرمانی‌اش یک جرقه نبوده و می‌تواند تکرار شود. با این حال، فوتبال هیچ‌وقت روی آرامش نمی‌بیند؛ گاهی همین آرامش می‌تواند مرگبار باشد. اسکو آرامش دارد اما آرامش او می‌تواند قبل از توفان بزرگ باشد. تراکتور، با پشتوانه مالی و تشویق هواداران پرشور آذری، آماده است دوباره همه را غافلگیر کند ولی این بار شاکر چیان ایرانی جدی‌تر از همیشه به میدان آمده‌اند.

پرسپولیس؛ میراث در دست هاشمیان

پرسپولیس در تمام سال‌های اخیر، سمبل ثبات، جگندگی و قهرمانی بود اما امسال یک تغییر بزرگ را تجربه کرد؛ وحیدهاشمیان، مرد آرام و بی‌حاشیه، حالا باید بار سنگین انتظارات میلیون‌ها هوادار را به دوش بکشد. پس از رفتن اسماعیل کازال به دلیل بحران‌های خارج از زمین، هاشمیان به عنوان ناجی سرخ‌ها انتخاب شد. هرچند بعضی‌ها انتخاب او را یک ریسک می‌دانند اما فوتبال نشان داده هر ریسک بزرگی می‌تواند تبدیل به شاهکار شود. وحید، حالا باید ثابت کند می‌تواند کشتی

فوتبال ایران مثل یک نبرد بی‌پایان

است؛ هر فصل با وعده‌هایی تازه،

چهره‌هایی جدید و قصه‌هایی پرهیجان. حالا دوباره صدای توپ و تشویق‌ها، خبر از شروع فصلی جدید می‌دهد. دراگان اسکوچیچ، مرد کروات که سال گذشته با تراکتور یک شگفتی تاریخی خلق کرد و جام قهرمانی را برای نخستین بار به تبریز برد، حالا در مقام مدافع تاج بر تخت نشسته. اما این بار قرار نیست تنها باشد؛ مدعی ایرانی، با شمشیرهای آخته، کمین کرده‌اند تا تاج را از سرش پایین بکشند.

پادشاه سرخ در آستانه نبرد

وقتی صحبت از قهرمانی در فوتبال ایران می‌شود، تراکتور اسکوچیچ فعال‌تیم‌اول جدول قدرت است. تیمی که فصل قبل شجاعانه تا قله رفت، حالا می‌خواهد ثابت کند قهرمانی‌اش یک جرقه نبوده و می‌تواند تکرار شود. با این حال، فوتبال هیچ‌وقت روی آرامش نمی‌بیند؛ گاهی همین آرامش می‌تواند مرگبار باشد. اسکو آرامش دارد اما آرامش او می‌تواند قبل از توفان بزرگ باشد. تراکتور، با پشتوانه مالی و تشویق هواداران پرشور آذری، آماده است دوباره همه را غافلگیر کند ولی این بار شاکر چیان ایرانی جدی‌تر از همیشه به میدان آمده‌اند.

پرسپولیس؛ میراث در دست هاشمیان

پرسپولیس در تمام سال‌های اخیر، سمبل ثبات، جگندگی و قهرمانی بود اما امسال یک تغییر بزرگ را تجربه کرد؛ وحیدهاشمیان، مرد آرام و بی‌حاشیه، حالا باید بار سنگین انتظارات میلیون‌ها هوادار را به دوش بکشد. پس از رفتن اسماعیل کازال به دلیل بحران‌های خارج از زمین، هاشمیان به عنوان ناجی سرخ‌ها انتخاب شد. هرچند بعضی‌ها انتخاب او را یک ریسک می‌دانند اما فوتبال نشان داده هر ریسک بزرگی می‌تواند تبدیل به شاهکار شود. وحید، حالا باید ثابت کند می‌تواند کشتی

مربع مدعیان لیگ بر تر پیش رو و تقابل ۱+۳ مربی خاص

اسکو در محاصره

■ **فولاد:** گل محمدی و نبرد بی‌پایان

یحیی گل محمدی همیشه مرد چالش‌های سخت بوده است. چه وقتی در پرسپولیس بود، چه حالا که در فولاد ایستاده و به دنبال خلق شگفتی است. یحیی می‌داند لیگ برتر مثل یک ملاترن فرسایشی است؛ جایی که فقط استقامت و ذکاوت، تو را به قله می‌رساند. او برخلاف بسیاری از مربیان دیگر، عادت دارد آرام و بی‌سروصدا کارش را انجام دهد و ناگهان از دل بحران، تیمی بیرون بکشد که همه را غافلگیر کند. فولاد شاید اسما مدعی اصلی نباشد اما حضور گل محمدی یعنی هر تیمی مقابل او باید مراقب یک نیش کاری باشد.

■ **اسکوچیچ:** تنها خارجی میدان

در بین تمام این کاراکترها، دراگان اسکوچیچ حالا تنها خارجی حاضر در قله است. او



پشت پرده مذاکرات پرسپولیس و تراکتور ربطی به بازگشت ترابی دارد؟

معامله ممنوعه

یک نوع نظرسنجی زنده و بدون فیلتر. ولی تجربه و مشاوره‌های نزدیکش به او یادآوری کرد هواداران پرسپولیس آماده انفجارند و هیچ مصطنعی، آنها را آرام نمی‌کند.

از سوی دیگر، ترابی هم در دوراهی گیر افتاده. او اگر چه دلیسته بازگشت به تهران است اما مسکلی هم با ادامه بازی در تیر تیز ندارد. شاید برای ترابی، مهم‌تر از رنگ پیراهن، تضمین فرصت بازی و نمایش توانایی‌هایش باشد؛ به‌خصوص حالا که به تیم‌ملی هم دعوت نمی‌شود و نیاز دارد در جایی هنرنمایی کند که دیده شود. اما همه این داستان‌ها، یک حقیقت تلخ را فریاد می‌زند: فوتبال ایران هنوز بیش از آنکه بر مدار اصول حرفه‌ای بچرخد، بر اساس داد و ستدهای پشت پرده و بدهی‌ها و طلب‌های پنهان جلو می‌رود. وقتی پرسپولیس و تراکتور، ۲ قطب فوتبال کشور، حتی برای حل یک پرونده نقل و انتقال، این چنین اسیر محاسبات سیاسی و نگرانی از واکنش هواداران می‌شوند، یعنی هنوز راه زیادی تا حرفه‌ای‌گری واقعی داریم.

به نظر می‌رسد فعلا درویش چراغ سبزی به تراکتور نشان نداده و ترجیح داده همه چیز در سکوت پیش برود اما در فوتبال ایران، سکوت هیچ وقت به معنای پایان ماجرا نیست بلکه گاهی آغاز یک جنگ سرد تازه است. شاید همین روزها دوباره ترابی و بیرانوند روی جلد روزنامه‌ها برود و دوباره مصاحبه‌های پر از کنایه و طعنه، آتش این ماجرا را شعله‌ور کند.

این جناح باقی نمانده، جلای که پیش‌تر هم رابطه پرتنش با سایپنتو داشت، حالا در موقعیتی عجیب قرار گرفته. در همان ساعات اولیه بازگشت سایپنتو، شایعه‌شد جلای از ادامه همکاری دل خوشی ندارد و حتی به ترک باشگاه فکر کرده اما فعلا او مذاکر است و استقلال ناچارند دروی همین یک بازیکن حساب کنند. البته ابوالفضل زیلیجایی هم هست؛ جوان ۱۹ ساله‌ای که شاید در حد یک نیمکت‌نشین آماده، قابل استفاده باشد اما تجربه ثابت کرده در تیمی مثل استقلال، نیمکت‌نشین بودن کافی نیست. آیا زیلیجایی می‌تواند از سایه جلای بیرون بیاید یا مثل خیلی از جوان‌های دیگر، محو خواهد شد؟ این سوالات است که جواش را فقط مسابقات می‌دهد. در یک نگاه کلی، استقلال‌ها امسال برای قلب دفاع، سنگین‌ترین سرمایه‌گذاری ممکن را انجام داده‌اند، سمت راست را به یک میدان مبارزه بدل کرده‌اند و در سمت چپ با یک بحران واقعی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. تیم سایپنتو حالا شبیه یک نمایشنامه پر از شخصیت‌های تازه و داستان‌های فرعی است؛ هر بخش از خط دفاع یک داستان مخصوص به خودش دارد. باید منتظر ماند و دید در پایان این ماجراجویی پرهیاهو، کدام مدافعان تبدیل به قهرمان و کدام‌ها تبدیل به سیاهی‌لشکر خواهند شد.

بررسی وضعیت خط دفاع آبی‌ها در لیگ پیش رو

تازده‌ساز

بین رامین رضاییان، ستاره پخته و پر حاشیه و صالح حرذانی جوان در حال شکل‌گیری است. رضاییان باتجربه و پرسروصدا، آمده تا جایگاه فیکس را قاپ برد اما حرذانی به خاطر توانایی بازی در ترکیب ۳ دفاعه و وینگ‌بک، دست بالا را دارد. این رقابت فصل آینده یکی از جذاب‌ترین داستان‌های آبی‌پوشان خواهد بود. خاطراتان باشد سایپنتو فصل اول حضورش را با سیستم ۳ دفاعه شروع کرد و بعدها دوباره به ۴ دفاع برگشت. پس این نبرد تا هفته آخر ادامه داشته باشد. اما ماجرای سمت چپ قصه‌ای متفاوت دارد؛ جایی که سیدابوالفضل جلایلی یکه و تنها ایستاده. با رفتن آرمین سهرابیان به خدمت سربازی، هیچ گزینه قابل اتکایی در

اما این ازدحام باعث شده تکلیف مرامند و سلیمی، ۲ مدافع دیگر تیم، مبهم شود. احتمالا در شرایط فعلی و با وجود این حجم از مدافع، شانس زیادی برای ماندن ندارند؛ مگر اینکه سرمربی پر تعالی تصمیم بگیرد دوباره سیستم ۴ دفاعه را از گنجه بیرون بکشد و زمین را با چینی‌های ماجراجویانه‌تر بچیند. حالا سری برزیم به سمت راست، جایی که یک نبرد تمام‌عیار

استقلال مثل یک کارخانه در حال نوسازی، خط دفاعش را زیر و رو کرده و حالا می‌توان گفت در قلب دفاع تیم، یک انقلاب واقعی شکل گرفته. قلبی که حالا پر از گزینه‌های تازه و چهره‌های جدید است. آبی‌ها

که فصل قبل را با مشکلات فراوان در عقب زمین گذرانند، امسال تصمیم گرفتند مسیر دفاعی‌شان را دوباره خط‌کشی کنند؛ کاری که باعث شده ترکیب جدیدی از بازیکنان قدیمی، خریدهای پرسروصدا و ستاره‌های تازه‌وارد به وجود بیایند. مرکز خط دفاع، حالا آبی‌ها شبیه یک بازار شلوغ و پرهیجان هستند. عارف آقاسی بعد از یک رفت عجیب دوباره به استقلال برگشت تا شاید این بار بتواند نقش یک ستون محکم را بازی کند. سامان فالاح هم با تجربه نیم‌فصل قرضی‌اش، حالا آمده تا ثابت کند ارزش سرمایه‌گذاری را داشته. رستم آشورماتف، مدافع ملی‌پوش آریک، بدون شک مهم‌ترین خرید خارجی این تابستان بود؛ کسی که قرار است جای ارفاتل سیلواوی برزلی را بگیرد و نگاه‌ها را به خودش خیره کند. در این شلوغی، جوانی به نام ضراعام سعلاوی هم هست؛ مدافعی که زیر نظر مجتبی جباری بالا آمد و حالا به‌عنوان یک



علیرضا دارابی

که فصل قبل را با مشکلات فراوان در عقب زمین گذرانند، امسال تصمیم گرفتند مسیر دفاعی‌شان را دوباره خط‌کشی کنند؛ کاری که باعث شده ترکیب جدیدی از بازیکنان قدیمی، خریدهای پرسروصدا و ستاره‌های تازه‌وارد به وجود بیایند. مرکز خط دفاع، حالا آبی‌ها شبیه یک بازار شلوغ و پرهیجان هستند. عارف آقاسی بعد از یک رفت عجیب دوباره به استقلال برگشت تا شاید این بار بتواند نقش یک ستون محکم را بازی کند. سامان فالاح هم با تجربه نیم‌فصل قرضی‌اش، حالا آمده تا ثابت کند ارزش سرمایه‌گذاری را داشته. رستم آشورماتف، مدافع ملی‌پوش آریک، بدون شک مهم‌ترین خرید خارجی این تابستان بود؛ کسی که قرار است جای ارفاتل سیلواوی برزلی را بگیرد و نگاه‌ها را به خودش خیره کند. در این شلوغی، جوانی به نام ضراعام سعلاوی هم هست؛ مدافعی که زیر نظر مجتبی جباری بالا آمد و حالا به‌عنوان یک

مقصود بعد: مه یا مهتاب؟

حالا چشم‌ها به آینده دوخته شده؛ آینده‌ای که احتمالا دیگر در ایتالیا رقم نمی‌خورد. از لیگ ترکیه تا انگلیس، شایعه‌ها همه جا پرسه می‌زند. فولاد، نایتینگهام فارست و چند تیم ترکیه در صف ایستاده‌اند. پیشنهادهایی که شاید نه درخشان اما برای بازیکنی که دنبال فرصت بازی پیش از جام جهانی است، کافی به نظر می‌رسد. یک مهاجم در آستانه جام جهانی، باید در ترکیب اصلی بدرخشد، نه روی نیمکت‌های سرد.

جام جهانی ۲۰۲۶: آخرین قطار

قطار جام‌جهانی ایستگاه بعد این قصه است. طارمی می‌داند زمان زیادی برای بازگشت به فرم ایده‌آل ندارد. او باید در تیمی بازی کند که هر هفته در ترکیب اصلی باشد و پا به توپ شود. شاید لیگ عربستان هم یک گزینه باشد اما هو همچنان اروپا را ترجیح می‌دهد. فوتبال اروپا، حتی لیه‌های میانی، برای او جذاب‌تر از هر پیشنهاد پرزرق‌وبرق دیگری است. او نمی‌خواهد به مسیر بازیکنانی بپیوندد که در ازای پول، افت بازی‌شان را به جان خریدند.

■ **خداحافظی با رؤیا**

روزی که طارمی وارد جوز به مه‌آترا شد، پر از اعتمادبه‌نفس

مقصود بعد: مه یا مهتاب؟

بود و شوقی کودکانه برای فتح قله‌های جدید داشت اما حالا، با ساقی در دست و چشمانی پر از حسرت، آماده خداحافظی است. قصه او بالینتر، قصه‌ای بود که هیچ‌کس نمی‌خواست اینگونه تمام شود اما شد. قصه‌ای که به ما یادآوری کرد در فوتبال، هر که باشی، اگر گل نزنی، اگر در لحظه‌های بزرگ ندرخشی، در نهایت نمی‌مانی، بلکه خراج می‌شوی. ■ **پایان یک مسیر، شروع یک سفر** در فوتبال، پایان همیشه به معنای سقوط نیست. شاید این خداحافظی تلخ، سرازاع سفر تازه‌ای باشد؛ سفری که شاید دوباره طارمی را به اوج برساند. او هنوز شانس دارد، نفس دارد و شوق بازی. حالا باید دید این قصه در کدام زمین، با کدام پیراهن و کدام هوادار، ادامه پیدا می‌کند. قصه‌ای که این بار، خودش باید آن را بنویسد، بدون توقع از هیچ کس.

